

از قوس هرمنوتیکی ریکور تا نوبت‌های سه‌گانه تفسیری میبیدی در کشف الاسرار

دکتر فرزاد بالو^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

براساس نظریه قوس هرمنوتیکی پل ریکور، یک مفسر در تفسیر متن سه مرحله پیش رو دارد: تبیین، فهم و به خود اختصاص دادن. مرحله «تبیین»، به بررسی ساختار لفظی متن مربوط می‌شود و در حقیقت تمهید مقدماتی است تا در مرحله «فهم» بتوان به عمق معناشناختی متن، که همانا نیت مؤلف (مؤلف ضمنی) است، پی برد؛ اما هدف نهایی تفسیر به «خود اختصاص دادن» است؛ یعنی آنجا که مفسر با نگاهی سوژکتیو و با دخیل کردن انتظارات، پسندها، و پیش‌داوری‌ها و موقعیت هرمنوتیکی خویش در خوانش نهایی، متن را از تملک مؤلف به تصاحب خویش درمی‌آورد. در سنت تفسیری ما، تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی نیز بر سه نوبت یا مجلس استوار است. میبیدی در نوبت اول به ترجمه تحت‌اللفظی آیات می‌پردازد. در نوبت دوم به شأن نزول و اسباب نزول آیات، با توجه به احادیث و روایات، می‌پردازد تا به نوعی از نیت مؤلف (خدا) پرده بردارد؛ و سرانجام در نوبت سوم -فارغ از نظر مؤلف (خدا)- آیات را براساس بافت و تجربه عرفانی و مطابق با سنت و میراث صوفیه تفسیر می‌کند. ما در این نوشتار بی‌آنکه بخواهیم تناظر یک‌به‌یک میان قوس هرمنوتیکی ریکور و نوبت‌های سه‌گانه تفسیری میبیدی برقرار کنیم، به تحلیل رویکرد تفسیری میبیدی در پرتو قوس هرمنوتیکی ریکور می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: ریکور، میبیدی، قوس هرمنوتیکی، کشف‌الاسرار، تفسیر